

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد عزیز: جناب استاد با توجه به آیه ۶۰ سوره غافر دعا عبادت خداوند است، از طرفی به طور مشخص حجم عظیمی از ادعیه معصومین علیه السلام مبتنی بر ترس از عذاب و شوق به بهشت است تا جایی که این مطلب به صراحت در قرآن آیه ۱۵ سوره انعام از قول پیامبر می فرماید: «قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» «بگو: من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ سخت می ترسم.» خوب: ۱. چرا عرفا می گویند عارف به جایی می رسد که دیگر از عذاب جهنم نمی ترسد یعنی از پیامبر و اهل البیت علیهم السلام بالاتر است؟ ۲. چرا عملی که به خاطر ترس از عذاب یا فراق و شوق به بهشت یا وصال صورت می گیرد مورد ملامت قرار می گیرد و می فرمایند این اعمال از حظوظ نفسانیه خارج نیست و تصفیه از این دو عمل باید صورت گیرد و تصفیه از این دو مرتبه نزد اهل الله لازم است. پس چرا اهل البیت خود را تصفیه نمودند و اکثر دعاهای و مناجاتهای شخصی ایشان با خدا حول محور همین ها دور می زند. البته پر واضح است که اهل البیت مقامات بسیار بالاتری هم دارند ولی می بینیم با این حال از این دو موضوع هم خود را تصفیه نمودند و تا پایان عمر مبارکشان اکثریت دعاهای ایشان از قبیل مناجات خمس عشر، دعای عرفه، ابوحمزه و..... درباره همین دو درخواست خوف و شوق است؟ ۳. اساسا این که نفس به طور کلی حذف شود معقول نیست حتی آن هنگام که عارف می گوید من هیچ حظ نفسانی نمی خواهم باز هم این من و نفس اوست که چنین عبادتی را دوست دارد و از آن لذت می برد یعنی در آن هنگام که می گوید من هیچ حظ نفسانی نمی خواهم هیچ نخواستن مطلوب نفس است و از آن لذت می برد (لطفا به سوال ۳ جداگانه پاسخ فرمائید) با تشکر و التماس دعا. لطفا جواب را در سایت بگذارید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عموما هر کدام از این جملات را می توان با نظر به شخصیت گویندگان آن معنا کرد. آری! لابه و زاری امام معصوم از عذاب، می تواند عذاب حرمان باشد که امیرالمؤمنین علیه السلام در دعای کمیل می فرمایند چگونه از نظر به رحمت تو خود را محروم بدانم. و مسلم همواره در همه مراتب نسبت نفس انسان با حضرت معبود در میان است حتی آنجایی که انسان می خواهد خود را به عنوان حجاب، نبیند در طلب آن است که خود را به حق ببیند که این معنی فانی از خود و باقی به حق است. موفق باشید

